اصل کودتای نظامی در وصایای امام خمینی (ره)

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه 1357، تجربه جدیدی از حکومت­داری ومدیریت سیاسی با محوریت دین ونقش فراگیر مردم ارائه گردید. در این میان نقش امام خمینی به عنوان بنیانگذار و رهبر انقلاب اسلامی که مدیریت کلان سیاسی کشور را نیز عهده­دار بودند نقش برجسته، ممتاز و بی­نظیری است. مدیریت سیاسی یک انقلاب نوپا و جوان که با بحران­های متعددی روبروست مستلزم بهره گیری مدیران نظام انقلابی از الگویی منسجم از مدیریت بحران است. امام­خمینی نیز از این امر مستثنی نبوده و ایشان با تسلط اعجاب­انگیز در برخورد با بحران­ها و مهار، کنترل و تدبیر آنها، به طراحی الگویی نوین از مدیریت بحران سیاسی در عرصه عمل پرداختند. این تحقیق با بهره گیری از منابع مرتبط، به بررسی اصل کودتای نظامی در وصایای امام بحران پرداخته است.

نقش نظامیان پس از انقلاب در حفظ نظام و انقلاب

از دیدگاه حضرت امام حفظ پیروزی به دست آمده، از اصل آن‏ دشوارتر است. در همین زمینه می فرماید: «بدانید که حفظ یک پیروزی مشکلتر است از پیروزی به دست آوردن، کشورگشایی از حفظ کشور آسانتر است. الآن ما در مشکل حفظ نظام جمهوری اسلامی هستیم، یعنی آن مرحله اول که پیروزی ابتدایی بود گذشت و پیروز شدید بحمد اللَّه، لکن بقای این پیروزی و بقای این دستاوردهایی که شما به دستتان آمد، امروز مشکل‏تر از خود آن پیروزی است که به دستتان آمد، نگهداریش مشکل است. باید همه کوشش کنید که این چیزی که به دست آوردید نگه دارید.» (صحیفه امام، ج‏18، ص 281)

حال عامل و قدرت اصلی حفظ این دست آورد بزرگ چیست؟ داشتن نیروی های مسلح مقتدر و و بزرگ؟ به دست آوردن تجهیزات پیشرفته و مدرن نظامی روز؟ در اختیار گرفتن انرژی ؟ و...

با بررسی نظرات حضرت امام که با یک جستجوی گذرا در آثار ایشان می توان بدان دست یافت، تشکیل سپاه و ارتش و بسیج و... در حد متعارف از ضروریات کشور است. ایشان وجود نیروی نظامی مقتدر و منظم و مجهز به پیشرفته ترین سلاح روز را برای حفظ و اقتدار نظام و کشور ضروری می دانند، اما آن را عامل اصلی و درجه یک حفظ انقلاب و نظام نمی دانند. از نظر امام حفظ انقلاب و کشور با قوای مسلح، به شرط اینکه حمایت و رضایت ملت را به همراه داشته باشند ممکن است والا آنها نه کشور و نظام و انقلاب را می توانند حفظ و حراست نمایند و نه خودشان را! لذا حضرت امام به آنان توصیه می کنند:

«شما حیثیت مملکت ما را خودتان باید حفظ کنید؛ و حفظش به این است که نظام را حفظ کنید و آن چیزی که در قانون نظام است شما باید حفظ بکنید. و ما پشتیبان شما و شما پشتیبان ما باشید و ملت پشتیبان همه باشد.» (صحیفه امام، ج‏7، ص 25)

و در سخنرانی در جمع پرسنل ژاندارمری و نیروی انتظامی می فرماید:

«قوای انتظامی بیدار باشند که بین آنها و ملت جدایی نیفتد... ما همه از شما هستیم و شما از ما. و همه پاسداران اسلام و همه برادر. مثل زمان طاغوت نیست که بین ما و شما را جدایی انداختند. اجانب بودند که می خواستند قوای انتظامی از ملت جدا [باشند]. مردم را از قوای انتظامی می ترساندند. قوای انتظامی از ماست؛ نباید ما از آنها بترسیم و نباید آنها از ما. هیچ هراسی در کار نیست، برادر هستیم؛ برادرها از هم نمی ترسند، همه در خدمت هم هستند ما همه در خدمت اسلام.» (صحیفه امام، ج‏7، ص 87)

اصل کودتای نظامی در زمان شاه از منظر امام

رژیم در پی طراحی یک کودتای نظامی است، سپهبد رحیمی فرماندار نظامی تهران و حومه از یگان های تابع خود خواست تا بی درنگ تمام رهبران نهضت را دستگیر و با هواپیما به یکی از جزیره ها منتقل کنند. به همراه این دستور، فهرستی از نام صدها تن که باید بازداشت شوند، پیوست شده است که در این فهرست نام امام خمینی، آیت الله طالقانی و مهدی بازرگان، به چشم می خورد.

امام خمینی در پاسخ به استفتاء افراد نیروی مسلح اظهار داشتند: قسم برای حفظ قدرت طاغوتی صحیح نیست و مخالفت با آن واجب است و کسانی که قسم خورده اند باید بر خلاف آن عمل کنند.

دخالت نظامیان در امور سیاسی از دیدگاه امام خمینی ره (وپاسخ به برخی توجیهات)

از جمله مباحث مهم در جامعه شناسی سیاسی، مداخلة نظامیان در سیاست می باشد. انگیزه های ورود نظامیان به سیاست متفاوت و چند لایه است اما معمولا با هدف کسب منافع اقتصادی و هم به منظور دخالت در تصمیمات سیاسی یا تحکیم موقعیت خود درسمت ها ومقام های سیاسی و اداری ودر نتیجه حفظ برتری در پشت صحنه قدرت می باشد. دخالت و نفوذ نظامیان در کشورها به تناسب دموکراتیزه بودن رژیم سیاسی و مشارکت مردم درقالب احزاب و NGO ها متفاوت است. صحنه سیاست میدان مناقشات و رقابت احزاب و گروهای سیاسی برای رسیدن به قدرت است. ابزار این میدان، گفتگو ، استدلال و بکارگیری رسانه ها در جهت نشرافکار وسلیقه های سیاسی است .

ورود نظامیانِ مسلح به این عرصه فضا را امنیتی ساخته، با توجه به برخورداری از قوه قهریه وسلاح ، حمایت آنها از یک جناح خاص یا تشکیل یک جناح جدید موجبات پیروزی با سر نیزه و به عبارت دیگر کودتا را فراهم می آورد. لذا حضرت امام خمینی(ره ) با انبوهی از تجربیاتِ سالها مبارزه ومشاهده رفتار نظامیان در دیگرکشورها این خطر را چنین گوشزد نموده اند:" قوای مسلح است که با بازی های سیاسی ، کودتا ها و تغییر حکومتهاو رژیم ها به دست آنان واقع می شود ؛ و سود جویان دغل بعضی سران آنان را می خرند و با دست آنان و توطئه های فرماندهانِ بازی خورده ، کشورها را بدست می گیرند .( صحیفه امام ،ج۲۱، ص431)

در کشورهای جهان سوم نظامیان زمانی وارد عرصه سیاست شدند که در اکثر کشورها ـ در کشورهایی که نظامیان سر کار بودند ـ قدرت را رها کرده و به پادگان ها بر گشتند. حضرت امام(ره) با درکی دقیق در این باب چنین می فرمایند :" همه دنیا که دنبال این هستند که ارتششان از امور سیاسی کنار باشد ، آنها یک چیزی می فهمند که می گویند این را ." و همچنین می فرمایند" من عرض می کنم به همه این قوا و به فرماندهان این قوا که این افراد در هیچ یک از احزاب سیاسی ، و هیچ یک از گروهها وارد نشوند . اگر ارتش یا سپاه پاسدار با سایر قوای مسلحه در حزب وارد بشود ، آن روز باید فاتحه آن ارتش را خواند."( همان ، ج16، ص110)

پس اصل ورود به سیاست ومناقشات آن یکی از جدی ترین آسیب ها برای نیرو های مسلح است در اینجا این سوال مطرح است که آیا نیروهای مسلح می توانند به بهانه اینکه یک گروه ، حزب یا جناح سیاسی در خط انقلاب است و به زعم ایشان حزب خوبی است در آن وارد شوند یا همکاری کنند ؟

پاسخ این سوال نیزدر نظرات امام چنین است :" یا بروید حزب یا بیایید ارتش باشید ....در گروه که وارد هستید باید از آن گروه جدا بشوید ، ولو یک گروهی است که بسیارمردم خوبی هم هستند ولو یک حزبی است که بسیار حزب خوبی هست لکن اصل وارد شدن در حزب برای ارتش ، برای سپاه پاسداران ، برای قوای نظامی و انتظامی وارد شدنش جایز نیست و به فساد می کشد اینها را ."

حال برخی ممکن است چنین مطرح کنند که امام (ره) فرموده اند نظامیان وارد گروهها و احزاب سیاسی نشوند و بگویند مطمئنا هیچ فرد نظامی عضو گروها و احزاب سیاسی نمی تواند بشود و نشده است .پاسخ این است که مسئله جدی تر و دقیق از این است زیرا ، امام (ره) منظورشان علاوه بر منع عضویت در احزاب ، ممنوعیت ورود به مناقشات و امور سیاسی هم می باشد . ایشان معتقدند که نظامیان حق ندارند در دعواهای سیاسی وارد شوند ، واعلام موضع کنند ، دعواهای مجلس و ریاست جمهوری و .... به آنها مربوط نشده حق دخالت ندارند پس حتی به بهانه دفاع از ارزش ها و انقلاب نیز نمی توانند وارد این امور شوند زیرا نفس ورود آسیبی بزرگ برای نیروهای مسلح ونظام است ایشان این مطلب را چنین هشدار می دهند :" حالا که بنا براین است – و خوب هم هست – که رادیو مردم را در جریان بگذارد ، به مجرد اینکه یک اختلافی در مجلس پیدا می شود ، منعکس می شود در همه ملت ، و آن که خیلی خطر ناک است ، اینست که منعکس شود در سپاه ، در ارتش ، ما که می خواستیم به – همه دنیا که دنبال این هستند که ارتششان از امور سیاسی کنار باشد ، آنها یک چیزی می فهمند که می گویند اینرا – ما که می خواهیم که سپاه و ارتش جند الله باشند و دسته بندی نداشته باشند و جهات سیاسی را کنار بگذارند ، برای اینکه اگر جهات سیاسی و مناقشات سیاسی در سپاه رفت و در ارتش رفت ، باید فاتحه سپاه و ارتش را ما بخوانیم ......برای سپاهی ها جایز نیست که وارد بشوند به دسته بندی ، و آن طرفدار آن یکی ، آن یکی طرفدار آن یکی .به شما چه ربط دارد که در مجلس چه می گذرد؟ در امر انتخابات باز هم به من اطلاع دادند که بین سپاهی ها هم باز صحبت هست . خوب ! انتخابات در محل خودش دارد می شود ، جریانی دارد ، به سپاه چه کار دارد که آنها هم اختلاف پیدا کنند ؟ برای سپاه جایز نیست این . برای ارتش جایز نیست این . سپاهی را از آن تعهدی که دارد ، از آن مطلبی که بر عهده اوست باز می دارد و همینطور ارتش را ."(همان ، ج16، ص110)

تا اینجا یک جنبه از آسیب های رابطه نظامیان و سیاست گفته شد اما جنبه دیگر آن دخالت سیاسیون و گروها در نهادهای نظامی می باشد کسانی که می خواهند با کشاندن نظامیان به سیاست از قدرت آنها به نفع اهداف خود استفاده کنند . حضرت امام (ره) در این رابطه چنین تذکر می دهند :" گروههای مختلفی که اسلامی هستند، این گروههای اسلامی هم نباید دخالت در امور ارتش بکنند و نباید در آنجا افراد داشته باشد ، تا بتوانید یک عضو صالح و یک ارتش و سپاه پاسداران منسجم و صالح و قدرتمند باشید . ورود سیاست در ارتش شکست ارتش است ، این را باید بدانید و شرعا جایز نیست."(همان ، ج16، ص11)

چرا نظامیان نباید در امورسیاسی وارد شوند

یکی از پیامدهای دخالت نظامیان در سیاست به ضعف کشاندن توان نیروهای مسلح و سلب کارائی آنها است .در جوامعی که احزاب و گروههای سیاسی حضور داشته و فعالند، دائما در حال مبارزه سیاسی با یکدیگر بوده ،نهایتِ عملکرد آنان ،حمله های تبلیغاتی گسترده ،مناظرات فراگیر و در شدیدترین حالت برخورد فیزیکی با یکدیگر است که مسلما توسط قوای انتظامی قابل کنترل است ،حال اگر در یک طرف این مناقشات بجای حزب و یا گروههای سیاسی ،نیروهای مسلح قرار داشته ویا نیروی نظامی حامی یکی از طرف های درگیر باشد در آن صورت درگیری و منازعات از حالت عادی خارج می شود و با به میان آمدن قدرت نظامی نیروی مسلح ،به یک نزاع داخلی تبدیل می شود . دیگرآنکه اگر نیروهای مسلح خود را درگیر مسائل سیاسی نماید نه فقط انرژی و هزینه های نظامی صرف برخورد های سیاسی می شود ،بلکه موجب تخریب درونی سازمان نظامی و ایجاد چند دستگی شده، به تبع توان نظامی آن کاسته و بر امنیت ملی و قدرت دفاعی کشور تاثیر منفی میگذارد.این موضوع نیز در تذکرات امام چنین آمده است:" سپاه پاسداران و همینطور سایر قوای مسلح باید وارد در جهات سیاسی نشوند تا انسجام پیدا بشود . اگر وارد بشوید، بالاخره به هم خواهید زد خودتان را و بالاخره در مقابل هم خواهید ایستاد و نظام را به هم خواهید زد و اسلام را تضعیف خواهید کرد ."

و در جایی دیگرچنین بیان می دارند :" وصیت اکید من به قوای مسلح آنست که همانطور که از مقررات نظام ، عدم دخول نظامی در احزاب و گروهها و جبهه ها است به آن عمل نمایند ؛ و قوای مسلح مطلقا چه نظامی و چه انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر اینها در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازی های سیاسی دور نگه دارند . در این صورت می توانند قدرت نظامی خود را حفظ و از اختلافات درون گروهی مصون باشند ."( همان ، ج21، ص432)

نتیجه اینست که ورودنظامیان به سیاست علاوه بر ایجاد چند دستگی وتفرقه درمیان آنها، ناقض مسئولیت اصلی شان که حفظ امنیت داخلی و مرزهاست بوده ، موجبات تهدید امنیتی و چند پارگی نظام سیاسی واجتماعی را فراهم می آورد.

چه کسی یا نهادی مسئول جلوگیری است

اما سوال اینجاست که چه کسی باید از این تخلف و آسیب جلوگیری نموده و نظامیان را از ورود به سیاست برحذر دارد . امام در این باره چنین می فرمایند :" دولت و ملت و شورای دفاع و مجلس شورای اسلامی وظیفه شرعی و میهنی آنانست که اگر قوای مسلح ، چه فرماندهان و طبقات بالا و چه طبقات بعد ، بر خلاف مصالح اسلام و کشور بخواهند عملی انجام دهند یا در احزاب وارد شوند که- بی اشکال به تباهی کشیده می شوند – و یا در بازی های سیاسی وارد شوند از قدم اول با آن مخالفت کنند ."هر چند از دیدگاه ایشان این مسئولیت با تاکید بیشتر و با توجه به اختیارات رهبری در قبال قوای مسلح بر عهده ایشان می باشد."و بر رهبری و شورای رهبری است که با قاطعیت از این امر [ ورود نظامیان به سیاست ] جلوگیری نمایند تا کشور از آسیب در امان باشد (همان ، ج21، ص432)

نتیجه گیری

اندیشه های سیاسی امام(ره)جامع همه نیازها و احکام درحکومتداری اسلامی است خصوصا که ایشان در وصیتنامه سیاسی الهی خود به تمام جوانب بطور صریح،شفاف و آشکار اشاره نموده اند.مطمئنا بازگشت به اندیشه های امام(ره) وکنار گذاشتن تفاسیر من عندی واجتهاد در برابرنص ،حلال همه مشکلات عدیده امروز و آینده می باشد وعمل به سفارشات ایشان تنها نسخه شفابخش برای جمهوری اسلامی بوده ، انسجام سیاسی و اجتماعی رابیش از پیش در پی خواهد داشت.